

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره ی مبارکه طارق

استادضرابی خرداد ۱۴۰۰

جلسه سوم ۱۴۰۰/۳/۱۷

آیات شریفه : « فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ (۵) خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ (۶) يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ (۷) إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ (۸) يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ (۹) فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ (۱۰) - پس انسان باید بنگرد که از چه آفریده شده است (۵) از آب جهنده ای خلق شده (۶) [که] از صلب مرد و میان استخوانهای سینه زن بیرون می آید (۷) در حقیقت او [= خدا] بر بازگردانیدن وی به خوبی تواناست (۸) آن روز که رازها [همه] فاش شود (۹) پس او را نه نیرویی ماند و نه یآوری. »

عنوان: اگر قیامت را ندیده‌ای اکنون ببین!

« فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ »: چرا خداوند فرموده است: « پس انسان باید بنگرد که از چه آفریده شده است؟ » یک دلیل آن این است که انسان بتواند با چشم خود برپایی قیامت را ببیند؛ بلکه بسیار شگفت‌انگیز است که خداوند توانا مسیر تحول آب جهنده‌ای را به ما نشان می‌دهد که از پشت پدر و سینه مادر خارج شده، « خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ » این دو، نطفه‌ای را تشکیل می‌دهند که یکی مانند زمین حاصلخیز و دیگری همچون بذر و دانه عمل می‌کند.

آسمان می‌گفت آن دم با زمین گر قیامت را ندیدستی ببین

این مجموعه قادر است قیامت را در برابر چشمان ما به نمایش بگذارد!!! اما چگونه؟! به گونه‌ای که با چشم غیر مسلح هر انسانی بتواند با کمی تأمل و توجه آن را درک کند، قیامتی را مشاهده کند که قابل انکار نباشد؟ بیایید این صحنه را از نگاه پدر پیری ببینید که پسر برومندش او را بر پشت خود گذاشته، گرد خانه خدا طواف می‌دهد. پدر در حین طواف گذشته فرزند خود را مرور می‌کند و آنقدر به عقب بر می‌گردد که او را از شبی بخاطر می‌آورد که اولین شب زندگی

مشترک او با همسر زیبایش بود و او قبل از آنکه آب جهنده صلبش در رحم همسر جوان جای گیرد، خداوند را به بزرگی، به عزّت و عظمت پیامبر و آلش (علیهم السلام) سوگند داده بود که فرزندی نصیبش کند که افتخار او و یادگار اسلام باشد. اکنون پس از گذشت بیست سال آن قطره آب را می بیند که چشم و گوشه‌ی یافته، دست و بازوان نیرومندی دارد، خوش فهم و نیک اندیش است و اکنون بر پشت او نشسته به دور خانه خدا می‌گردد. جَلَّ الخالق، خداوندا! از قطره آبی چه ساخته‌ای!!! این حاصل یک عمل خداپسندانه از میان هزاران عمل نیک و بد او بود که به اراده الهی، موجودی اینچنین زیبا و توانا گشته؛ آیا خداوند در قیامت غیر از این وعده داده است؟ « إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ » آیا اگر چشم‌ها بینا شود و به اطراف خود نظر کند همه جا را این چنین، عرصه قیامت نخواهد دید؟ آیا سیب سرخ زیبایی که در زیر دندان خُرد می‌شود و پس از طی مراحل به قدرت اندیشیدن و قدرت حرکت تبدیل می‌شود، این انتقال از نشئه‌ای به نشئه دیگر، قیامت نیست؟ دانه‌ای که هیچ اثری از حیات در او دیده نمی‌شود، خشکیده و طلایی رنگ است، در رحم خاک تغییر رنگ می‌دهد، می‌شکافد، ساقه و برگ بیرون می‌دهد، قد می‌کشد، شاخه‌های انبوه و میوه و سایه‌سار و رنگ‌های چشم نواز و رائحه دلنواز... و سرانجام پیدایش باغ و بستان فرح انگیز و زیبا ... به راستی به کدام سو می‌توان نگریست که قیامتی برپاشده را در آن نبینی؟

گندمی را زیر خاک انداختند
پس ز خاکش خوشه‌ها برداشتند

بار دیگر کوفتندش ز آسیا
قیمتش افزود و نان شد جانفزا

باز نان را زیر دندان کوفتند
گشت عقل و جان و فهم سودمند

« وَلَقَدْ عَلَّمْتُمُ النَّشَأَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ - و بی‌شک شما از نشأه اول خود آگاه شدید (زنگی عالم دنیا و طبیعت) پس چرا متذکر (عالم آخرت و جهان باقی) نمی‌شوید؟ » (واقعه/۶۲) در این صحنه‌های شگرف و حیرت‌انگیز از خلقت انسان و حیوان و گیاه که در جای جای طبیعت می‌بینی، قیامت (به یک معنا) در وارد شدن هر موجودی از موجودات به مرحله‌ای از مراحل تکامل دیده می‌شود و هیچ انسان عاقلی نمی‌پندارد که این سفر تکاملی موجودات در گذر از عجایب و

شگفتی‌های جهان آفرینش، به انتهای آن رسیده باشد؟ تاکنون در هیچ کجای این طبیعت بی کرانه سیر به سوی مرگ و نابودی نبوده است حتی اگر در ظاهر مانند حکایت آن سیب سرخ زیر دندان باشد که او را در حال از هم پاشیدن و خرد شدن ببینی؛ چرا که می‌دانی او با از دست دادن ترکیب گذشته خود در هیئت جدیدی در این چرخه حیات، نقشی بالاتر و عالی‌تر پیدا می‌کند. اکنون منتظر باش و ببین در مراحل بعد تکامل زندگی و حیات بر روی کره خاکی و سیارات و ستارگان، به روایت صحیفه الهی که از سوی خالق هستی، برایمان خوانده می‌شود، چه خواهد شد. «فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ - و[لی] در حقیقت آن [بازگشت بسته به] يك فریاد است [و بس] و بناگاه آنان در زمین هموار خواهند بود» (نازعات/۱۳ و ۱۴)

این بهار نو ز بعد برگ ریز هست برهان بر وجود رستخیز
در بهار آن سرّها پیدا شود هرچه خورده ست این زمین رسوا شود
بردمد آن از دهان و از لبش تا پدید آرد ضمیر و مذهبش

عنوان: کار بد ، مصلحت آن است که مطلق نکنیم

«يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ» همان طور که در جهان طبیعت قابلیت‌ها و استعدادهای نهفته در درون موجودات به فعلیت در می‌آید و موجود از خود اختیاری در متوقف کردن این سیر، یعنی شکفتن و بالیدن ندارد و نمی‌تواند جلوی ظهور و بروز این مکنونات را بگیرد، مثلاً: قابلیت‌های موجود در یک کرم ابریشم در پروانه شدن، دمام به فعلیت و ظهور می‌رسد و او از خود اختیاری در متوقف کردن و تبدیل آن به چیزی دیگر ندارد، درباره انسان هم، بعد از آن که با اختیار خود درون و سریره خود را با نیک و بد افعال پر کرد و با افکار و آرزوهایش، باطن خود را آن طور که می‌خواست، آراست، در پایان، پس از آن که مُرد و در خاک دفن شد، نوبت به شکفتن آنچه در مزرعه وجود خود کاشته است می‌رسد و دیگر نمی‌تواند مانع ظهور آن شود. «فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ» (البته در زندگی هم دائماً از سریره و باطن خود متأثر بود؛ اما تأثیری به مراتب کم و ناچیز نسبت به آنچه پس از مرگ مشاهده می‌کند) «روزی که همه آنان آشکار می‌شوند-يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ- آن روزی که همه خلق

پدیدار شوند (و نیک و بدشان آشکار گردد) که هیچ‌گاه اعمال آنها بر خدا پنهان نبوده است. (غافر/۱۶) « در آن روز کوه‌ها و تپه‌ها برچیده می‌شود، و زمین به صورت بیابان هموار و بدون پستی و بلندی درمی‌آید- فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا (طه/۱۰۶) » و «آنچه در دل دارد بیرون می‌ریزد: - وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا- (زلزال/۲) » «و نامه‌های اعمال گشوده می‌شود - وَ إِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ- (تکویر/۱۰)» دست و پاها و اعضای بدن به سخن آمده، افشاگری می‌کنند. اعمال، نیات و عقائد همگی بر ملا می‌شود.

«تُبْلَى» در آیه شریفه «يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ» از ماده «بلاء» به معنای امتحان است، ولی به ملاحظه این که در هنگام آزمایش و ابتلاء، حقایق اشیاء روشن می‌شود. «آشکار شدن» معنا می‌کنیم.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «سرائر شما، اعمال شما است، همچون نماز و روزه و زکات و وضو و غسل جنابت و هر واجب دیگر. زیرا اعمال همه پنهان است، انسان ممکن است بگوید نماز خوانده‌ام و نخوانده باشد، و بگوید وضو گرفته‌ام و نگرفته باشد، این است معنای آشکار شدن اسرار نهان در آن روز.» (مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۲۸) در روایت دیگر از ام سلمه روایت شده می‌گوید: «از پیامبر - صلی الله علیه و آله - شنیدم روز محشر مردم عریان در محشر حاضر می‌شوند ام سلمه اظهار ناراحتی می‌کند و از رسوایی قیامت اندوهگین می‌شود و می‌گوید: آیا مردم به همدیگر نگاه می‌کنند پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمودند مشغولیت مردم آنها را از نگاه به دیگری باز می‌دارد عرضه داشتم چه چیزی مردم را مشغول می‌نماید بیان داشتند نامه اعمال و رسیدگی به کوچکترین گناه و لغزش.» (مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۱۰، ص ۳۳۲)

یکی از راه‌های آبرومندی در آخرت مراقبت بر حفظ آبروی دیگران است. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «مَرَرْتُ لَيْلَةً أُسْرَى بِي عَلَى قَوْمٍ يَخْمِسُونَ وُجُوهَهُمْ بِأَظْفَارِهِمْ. فَقُلْتُ يَا جِبْرَائِيلُ مَنْ هَؤُلَاءِ؟ قَالَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَغْتَابُونَ النَّاسَ وَيَقْعُونَ فِي أَعْرَاضِهِمْ.» در شب معراج بر قومی گذر کردم که با ناخن‌های خود صورت‌هایشان را می‌خراشیدند. از جبرائیل حال آنها را جویا شدم،

گفت: اینان کسانی هستند که غیبت مردم را می‌کردند و حیثیت و آبروی آنها را لگه‌دار می‌ساختند. «(مستدرک، ج ۹، ص ۱۱۹)

و نیز از امام جعفر صادق (علیه السلام) روایت است «مَنْ رَوَى مُؤْمِنٍ رِوَايَةً يُرِيدُ بِهَا شَيْنَهُ وَ حَذَمَ مُرُوءَةً تَهْ لَيْسَقُطَ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ، أَخْرَجَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ وَلَايَتِهِ إِلَى وَلَايَةِ الشَّيْطَانِ - هر کس داستانی نقل کند و قصدش ظاهر ساختن بدی‌ها و ریختن آبروی مؤمنی باشد و بخواهد او را از چشم مردم بیندازد خداوند متعال ولایت خود را از او برمی‌دارد و ولایت شیطان را جایگزین آن می‌نماید.» (ثواب و عقاب‌الاعمال، ص ۵۴۷) باید از رسوائی روز جزا ترسید و دست به دامن اولیاء خدا بود. امیرالمؤمنین (سلام‌الله‌علیه) فرمود: «تَعَطَّرُوا بِالْأَسْتِغْفَارِ لَا تَقْضَحْكُمْ رَوَائِحُ الذُّنُوبِ» - خود را با عطر استغفار معطر کنید. نگذارید که بوی گناه شما را مفتضح و رسوا کند» (جامع احادیث‌الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۳۷)

صبح، حشر کوچکست ای مستحیر حشر اکبر را قیاس از وی بگیر

چون باز سفید در شکاریم همه با نفس و هوای نفس یاریم همه

گر پرده ز روی کارها بر گیرند معلوم شود که در چه کاریم همه

عنوان: اگر آنچه را مردگان مشاهده کرده‌اند شما می‌دیدید!

«فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ»: حضرت امیر (سلام الله علیه) هشدار می‌دهد: «انکم لو قد عاینتم ما قد عاین من مات منکم ... - اگر آنچه را مردگان شما مشاهده کرده‌اند شما می‌دیدید و حشت می‌کردید، و ترسان می‌شدید، سخنان حق را می‌شنیدید و اطاعت می‌کردید، ولی آنها آنچه دیده‌اند از شما مستور است، و به زودی پرده‌ها کنار می‌رود و شما هم مشاهده می‌کنید.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰)

رسول خدا (ص) فرمود: «شیعیانی که محبتشان به ما بیشتر باشد، لحظه مرگشان مثل آن است که کسی در تابستانی گرم، جرعه‌ای آب خنک بنوشد.» (بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۶۲) در بعضی روایات، لحظات جان دادن مؤمن، مثل بوییدن گل توصیف شده است؛ در حدیث معراج حضرت رسول (ص) می‌خوانیم: «هنگام مرگ مؤمن، فرشتگان بالای سر او می‌ایستند و جام‌هایی از کوثر و شراب بهشتی در دست دارند تا او جان دهد و او را بشارت می‌دهند به بهشت و

رضای پروردگار» (بحار، ج ۷۴، ص ۲۷) از آیات و روایات استفاده می‌شود اهل سعادت و بهشتیان هیچگاه قدرت و حیات و زندگی از آنها سلب نمی‌شود برخلاف ستمگران که احوالشان در آیه شریفه «فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ» ناتوان و بی‌یاور، توصیف شده است.

اهل سعادت به استجاب دعایشان «اللهم ... وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ - (کتاب الذکر والدعاء، شماره ۲۷۲۰)» می‌رسند اما ستمکاران به کابوسی که از آن واهمه داشتند، مبتلا می‌شوند؛ «فرشتگان دست‌های خویش را برای عذاب ستمگران می‌گشایند و با سختی جانشان را می‌ستانند - ... وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ... (سوره انعام/۹۳)» در فرمایشات علی (علیه السلام) آمده است که هنگام مرگ: «اجتمعت علیهم سكرة الموت و حسرة الفوت، ...! - سكرات مرگ، توأم با حسرت از دست دادن آنچه داشتند بر آنها هجوم می‌آورد، اعضای بدنشان سست می‌گردد، و رنگ از صورتهایشان می‌پرد کم کم مرگ در آنها نفوذ کرده، میان آنها و زبانشان جدائی می‌افکند، در حالی که او در میان خانواده خویش است، با چشمش می‌بیند و با گوشش می‌شنود و عقل و هوشش سالم است، اما نمی‌تواند سخن بگوید! در این می‌اندیشد که عمرش را در چه راه فانی کرده؟ و روزگارش را در چه راهی سپری نموده است؟! به یاد ثروتهائی می‌افتد که در تهیه آن چشم بر هم گذارده، و از حلال و حرام و مشکوک جمع‌آوری نموده، و تبعات و مسئولیت گردآوری آن را بر دوش می‌کشد، در حالی که هنگام جدائی و فراق از آنها رسیده است و به دست بازماندگان می‌افتد، آنها از آن متنعم می‌شوند و بهره می‌گیرند اما مسئولیت و حسابش بر او است!» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹)

دلیل بر قدرت الهی همین رسیدن جان به گلو، و عجز از رویارویی با مرگ است: «فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْخُلُقُومَ وَ أَنْتُمْ حِينِيذٌ تَنْتَظِرُونَ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ - اگر در ادعای خود صادقید، چرا روح محتضر را از هر طریقی که می‌توانید (مانند تدابیر طبّی، تعویذهای کاهنانه و طلسم‌های نجومی) حتی به صورت نادر و اتفاقی باز نمی‌گردانید» (واقعه/۸۷-۸۳)

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُخَفَّفَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهُ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ فَلْيَكُنْ لِقَرَابَتِهِ وَصُولًا وَ بِوَالِدِيهِ بَارًّا فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ هَوَّنَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَ لَمْ يُصِْبْهُ فِي حَيَاتِهِ فَقْرٌ أَبَدًا - هر که دوست دارد خدا سختی‌های جان‌کندن را بر او آسان کند باید صله رحم کند و به پدر و مادرش نیکی نماید، وقتی چنین شد، خدا جان‌کندن را بر او آسان می‌کند و در زندگی دچار پریشانی و فقر نمی‌شود.» (أمالی صدوق/ص ۳۸۹)

در کتاب «بلد الامین» از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده: هر که هر روز ده بار این دعا را بخواند، حق تعالی چهار هزار گناه کبیره او را بیامرزد، و وی را از سكرات مرگ و فشار قبر، و صد هزار هراس قیامت نجات دهد، و از شرّ شیطان و سپاهیان او محفوظ گردد، و قرضش ادا شود، و اندوه و غمش برطرف گردد: «أَعَدَدْتُ لِكُلِّ هَوَلٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لِكُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لِكُلِّ نِعْمَةٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لِكُلِّ رَخَاءٍ الشُّكْرُ لِلَّهِ وَ لِكُلِّ أُعْجُوبَةٍ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ لِكُلِّ ذَنْبٍ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ لِكُلِّ مُصِيبَةٍ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ وَ لِكُلِّ ضَيْقٍ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ لِكُلِّ قَضَاءٍ وَ قَدَرٍ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَ لِكُلِّ عَدُوٍّ اِعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ وَ لِكُلِّ طَاعَةٍ وَ مَعْصِيَةٍ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ - مهیا کردم برای هر هراسی «لا اله الا الله» را و برای هر اندوه و غمی، «ما شاء الله» را، و برای هر نعمتی «الحمد لله»، و برای هر راحتی «الشكر لله»، و برای هر شگفتی «سبحان الله»، و برای هر گناهی «استغفر الله» و برای هر مصیبت «انا لله و انا اليه راجعون» را، و برای هر تنگی «حسبی الله» و برای هر قضا و قدر «توكلت على الله» را، و برای هر دشمن «اعتصمت بالله» را و برای هر طاعت و معصیت «لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم» را» (مستدرک الوسائل/ج ۵/ص ۷۲۹)

یا رب اسیرم و دل من در پناه توست بی تابم و قرار دلم یک نگاه توست
چندان اسیر خواهم نفسم که غافلم از دست رفته را طلب بارگاه توست

عنوان: مرگی که هر شب به سراغ شما می‌آید.

در قرآن کریم می‌خوانیم که: « هر کس مرگ را می‌چشد و شما پاداش خود را به طور کامل در روز قیامت خواهید گرفت- كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ إِنَّمَا تُؤَقُّونَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (آل عمران/ ۱۸۵) »

در نصایح لقمان به پسرش آمده است که گفت: «ای پسر! اگر درباره مرگ تردید داری، خواب را از خود، دور کن که خواهی توانست و اگر درباره رستاخیز تردید داری، بیدار شدن از خواب را از خود دور کن که خواهی توانست؛ زیرا اگر اندیشه کنی، می‌دانی که جان تو در دست دیگری است» «وَإِنَّمَا النَّوْمُ بِمَنْزِلَةِ الْمَوْتِ، وَإِنَّمَا الْيَقَظَةُ بَعْدَ النَّوْمِ بِمَنْزِلَةِ الْبَعْثِ بَعْدَ الْمَوْتِ - و همانا خواب، به منزله مرگ است و بیداری پس از خواب، به منزله برانگیخته شدن پس از مرگ» (بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۴۱۷) خداوند ارواح را به هنگام مرگ به تمامی می‌ستاند و ارواحی را که نمرده‌اند نیز به هنگام خواب می‌گیرد؛ «فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى - سپس ارواح کسانی را که فرمان مرگ آنها را صادر کرده، نگه می‌دارد و ارواح دیگری را [که باید زنده بمانند تا سرآمد وقت معینی باز می‌گرداند.» (زمر/۴۲)

از امام جواد(ع) سوال شد مرگ چیست؟ فرمود: «مرگ همان خوابی است که هر شب به سراغ شما می‌آید، جز این که مدتش طولانی است و انسان از آن بیدار نمی‌شود تا روز قیامت.» (معانی الاخبار، ج ۵، ص ۲۸۹) قرآن کریم در مورد مرگ و انتقال به جهانی دیگر می‌فرماید: «و سرانجام سكرات و بی‌خودی در آستانه مرگ، حقیقت را پیش چشم انسان می‌آورد و به او گفته می‌شود. این همان چیزی است که تو از آن می‌گریختی - وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ (ق/۱۹)» هر انسانی وارد محشر می‌گردد در حالی که همراه او حرکت دهنده و گواهی است. به او خطاب می‌شود تو از این صحنه و دادگاه بزرگ غافل بودی و ما پرده را از چشم تو کنار زدیم و امروز چشمت کاملاً تیزبین است.

امام رضا (علیه السلام) هنگام عیادت از یکی از اصحابش فرمود: «إِنَّمَا النَّاسُ رَجُلَانِ: مُسْتَرِيحٌ بِالْمَوْتِ، وَ مُسْتَرَاخٌ مِنْهُ بِهِ أَمَّا الْمُسْتَرِيحُ فَالْعَبْدُ الصَّالِحُ وَ مَا كَانَ فِيهِ مِنَ الْعِبَادَةِ إِلَى الرَّاحَةِ وَ نَعِيمِ الْآخِرَةِ أَمَّا الْمُسْتَرَاخُ مِنْهُ فَالْفَاجِرُ يَسْتَرِيحُ مِنْهُ الْمَلَكَانِ اللَّذَانِ يَحْفَظَانِ عَلَيْهِ وَ خَادِمُهُ وَ أَهْلُهُ وَ الْأَرْضُ الَّتِي كَانَ يَمْشِي عَلَيْهَا - مردم دو دسته اند: یکی آن که با مرگ، آسوده می‌شود. دیگری آن که با مرگ، مردم از دست او آسوده می‌شوند. آن کسی که خودش با عبور از دروازه‌ی مرگ به راحت می‌رسد پس عبد صالح است که از رنج تکلیف و بندگی آسوده می‌شود. [اما آن کسی که دیگران از دست او آسوده می‌شوند، او انسان فاجر است.] اول

[کسانی که از دست او راحت می‌شوند] این دو ملک الهی که مأور نوشتن اعمال او هستند؛ آن کسانی که در دنیا خدمت او را می‌کنند و خانواده‌ی او و زمینی که انسان فاجر بر روی او راه می‌رفته است» (مسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۶۳)

اما در توضیح افعال آن صالحی که با مرگ راحت می‌شود باید دانست «لَیسَ یَعْنِیْ أَكْثَرُ عَمَلًا وَلَکِنْ أَصَوْبُکُمْ عَمَلًا» امام صادق (علیه السلام) فرمود: «مقصود این نیست کدامیک بیشتر عمل می‌کنید، بلکه منظور این است کدامیک صحیح‌تر و خالص‌تر عمل می‌نمائید» (کافی/ ج ۲/ ص ۱۶)

رها کن تُرهات و شطح و طامات	خیال نور و اسباب کرامات
کرامات تو اندر حق پرستی است	جز این ، کبر و ریا و عُجب و مستی
است	

صورت از بی‌صورتی آمد برون	باز شد که انا الیه راجعون
پس ترا هر لحظه مرگ و رجعتیست	مصطفی فرمود دنیا ساعتیست